اخبار کوتاه

دستگیری اعضای باند سرقت میلیاردرهای طلایی

سرقت طلا از منازل را آن‌قدر تکرار کرده بودند که برای خود متخصصی شده بودند. بدون هیچ دستگاهی خیلی راحت وجود طلا در منازل را تشخیص می‌دادند- هر چند وضعیت مبهم اقتصادی مردم را به سمت ذخیره‌سازی طلا و ارز در منازل سوق داده است- و پس از زاغ‌زنی صاحبان این منازل و اطمینان از خالی بودن این خانه‌ها، به آن‌ها دستبرد می‌زدند تا جایی که هنگام دستگیری به سرقت یک میلیارد تومان طلا از شهروندان اعتراف کردند. این سارقان میلیاردر ۴ نفر بودند و شگردشان فقط سرقت طلا بود. آخرین شهری که پس از اقدام به سرقت در آنجا دستگیر شدند، نیشابور بود اما شاکیان دیگری از سایر شهرها هم دارند. پیگیری پرونده با اعلام چندین شکایت مشابه از سوی مال‌باختگان در نیشابور آغاز شد و سرهنگ دهقانپور، فرمانده انتظامی این شهرستان که با یک پرونده سریالی روبه‌رو شده بود، گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی را مأمور کرد تا رد و نشانی از اعضای این باند حرفه‌ای سرقت که خوراکشان تنها طلا بود را پیدا کنند. شگرد به کارگرفته شده در آخرین و اولین سرقت شبیه هم بود و سارقان هنگام خالی بودن این منازل، اقدام به سرقت کرده بودند. تنها تفاوت که منجر به ردزنی سارقان شد، ربودن یک خودروی سواری سمند از آخرین محل سرقت‌ها بود. کارآگاهان پلیس آگاهی از سرنخ‌های به جا مانده متوجه شدند، اعضای این باند چهار نفره اهل یکی از استان‌های غربی کشور بوده و تحت تعقیب‌اند که پس از اخذ نیابت قضایی هر ۴ متهم را در اقدامی ضربتی و غافل‌گیرانه در یکی از شهرستان‌های همجوار دستگیر کردند. متهمان در برابر ادله و مستندات پلیس تاکنون به ۶ فقره سرقت طلا و جواهر و وجوه نقد در شهر نیشابور به ارزش ۱۰ میلیارد ریال اعتراف کرده‌اند و با توجه به تحت تعقیب بودن متهمان از سوی پلیس آگاهی خراسان‌رضوی، تحقیقات برای کشف دیگر سرقت‌های احتمالی آنان با هماهنگی مقام قضایی ادامه دارد.

برخورد خودروهای سنگین در میانه بزرگراه

برخورد ۳خودروی سنگین در بزرگراه شهید کلانتری موجب محبوسی راننده یکی از این خودروها شد و برای ساعتی عبور و مرور در این بزرگراه پرتردد را دچار اختلال کرد. با اعلام برخورد سه خودروی سنگین شامل خودرو مینی‌باس، تریلی کفی و یک دستگاه کامیونت ایسوزو با یکدیگر به دلایل نامعلومی در بزرگراه شهید کلانتری مشهد و اعلام موضوع به آتش‌نشانی، گروه‌های امداد و نجات ایستگاه ۹به محل حادثه اعزام شدند. علیرضا معلم، مدیرمنطقه سوم عملیات آتش‌نشانی مشهد درباره جزئیات این حادثه اعلام کرد که با حضور نجاتگران در محل مشخص شد که راننده کامیونت ایسوزو در پی این تصادف مصدوم و درون اتاق خودرو گرفتار شده است. نجاتگران با استفاده از تجهیزات هیدرولیکی و برش بدنه خودرو، اقدام به نجات این فرد کرده و او را برای دریافت خدمات درمانی تحویل عوامل اورژانس دادند. آتش‌نشانان با ایمن‌سازی کامل محل و رفع نشت سوخت این خودروها ضمن ایمن‌سازی کامل، به کار خود پایان دادند و صحنه تصادف برای بررسی‌های تخصصی تحویل مأموران پلیس راهور شد.

شرط‌بندی مرگ‌بار در «گوجگی»

دورهمی دوستانه ۴ جوان مشهدی به مرگ دل‌خراش یکی از آن‌ها ختم شد

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

چند روز پیش وعده کردند تا چهارنفری همگی صبح جمعه به بند خاکی گوجگی بروند. رودخانه و فضای دنج بند خاکی محل مناسبی بود برای بساط جوانی. تقریبا هم سن و سال بودند. تا جایی که امکان داشت با ماشین آمدند و بعد هم پای پیاده روی تپه‌ای رفتند که از آن بالا تمام بند خاکی دیده می‌شد.سرهایشان از فرط خوشی داغ شده بود و صدای قهقه‌شان در فضای ساکت بند می‌پیچید.

گوشی یکی از آن‌ها جایزه‌ای شد برای کسی که از بالای تپه به داخل آب بپرد. یکی از پسران قدم پیش گذاشت و در مقابل چشم دوستانش خود را از بالای تپه به داخل آب انداخت. ارتفاع تپه تا سطح سبزرنگ آب که عمقش زیاد معلوم می‌شد دست‌کم ۳۰ متر بود. سرش داغ بود و نمی‌دانست که چه می‌کند. حباب‌های درشت و ریز به سمت سطح آب بالا می‌آمدند و برای یک لحظه همه چیز دوباره در سکوت فرو می‌رفت. در این میان پسر جوان یک لحظه از آب سر درآورد و در حالی که از خنده ریسه می‌رفت از دوستانش می‌خواست که آن‌ها هم به آب بزنند.

آب مثل آبشاری از لباس‌هایش به زمین می‌ریخت و دندان‌هایش از شدت سردی آب و نسیمی که می‌وزید به هم می‌خورد. اما دوستش که موبایلش را شرط پریدن در آب بند خاکی گذاشته بود زیر حرفش زد و گفت که یک حرفی زده است.

دعوایشان بالا گرفت و پسر جوان برای اینکه تلفنش را از دست ندهد از جمع دوستانش جدا شد. سرش گرم بود و به جای اینکه راه ماشین‌ها را پیش بگیرد، به سمت دیگری به راه افتاد. لبه پرتگاهی که عمق زیادی داشت راه می‌رفت. رودخانه پایین دره اما ناآرام بود و این را می‌شد از تلألو نور خورشید و صدای شُرشُر امواجش فهمید. تعادلش به‌هم خورد و نزدیک بود چند باری به سمت دره و چند باری هم روی زمین بیفتد که در همین میان ناگهان زیر پایش خالی شد و دوستانش فقط صدای فریادش را شنیدند. وسط دره افتاده بود و نیمی از تنش در آب بود و نیم دیگرش در خشکی کنار رودخانه. دوستانش وقتی بالای سرش رسیدند که خون از گوش و بینی‌اش بیرون زده بود. به جز نبض ضعیفی که در رگ‌هایش بود، هیچ حرکتی نداشت. با همان گوشی که آن را جایزه گذاشته بود برای تست شجاعت، دوستش به اورژانس ۱۱۵ زنگ زد و موضوع حادثه‌ای که برای رفیقش اتفاق افتاده بود را گزارش کرد.

دقایقی بعد خودروی آمبولانس تا انتهای جاده آسفالته آمد و ایستاد اما هیچ کدامشان حاضر نشدند به سمت مأموران اورژانس بروند. همین شد که آمبولانس به خیال مزاحمت تلفنی، راهش را کج کرد و به سمت مشهد برگشت.

دیگر کار از کار گذشته بود و نارفیقان بدن نیمه‌جان دوستشان را رها کردند و برای اینکه ردی از خود باقی نگذاشته باشند با الکل تلفن را پاک و بعد هم با سنگ متلاشی کردند.

اعتراف دوست متوفی

هوا تاریک شده بود و خانواده پسر جوان بی‌خبر از همه‌جا در پی فرزندشان بودند. به هر جایی که می‌شد سر زدند اما انگار آب شده و در زمین فرو رفته بود. جست‌وجوی آن‌ها ادامه داشت تا اینکه دوست و همکار پسر مفقود شده‌شان خبر حادثه‌ای که برای جوان بیست‌وهفت ساله اتفاق افتاده بود را به آن‌ها داد.

او از محلی که صبح جمعه رفته بودند هیچ اطلاعی نداشت و تنها اسم خیابان خواجه‌ربیع بود که در ذهنش مانده بود. پدر و مادر جوان مفقود شده به همراه دوستش به کلانتری خواجه‌ربیع مراجعه کردند و همه ماوقع را شرح دادند. افسر پلیس با این احتمال که محل مورد نظر در نزدیکی سد کارده باشد آن‌ها را به سمت پاسگاه کارده هدایت کرد. زن و مرد و دوست پسرشان، هر سه نفر به پاسگاه کارده رفتند اما نشانی محلی که صبح، حادثه در آن اتفاق افتاده بود با منطقه سد کارده تفاوت داشت.

در پرونده فقدانی پسر جوان گره افتاده بود و یک کلانتری و یک پاسگاه پلیس حالا درگیر تحقیقات این ماجرا شده بودند تا اینکه یکی از سربازان پاسگاه کارده با شنیدن مشخصات محل حادثه گفت که این منطقه به بند خاکی گوجگی شباهت زیادی دارد. بلافاصله تیم تحقیقاتی پلیس روانه پاسگاه گوجگی شدند و پایش میدانی پلیس به همراه عوامل هلال‌احمر آغاز شد. جست‌وجوها ادامه داشت تا اینکه بدن بی‌جان مرد جوان در همان دره‌ای که سقوط کرده بود پیدا شد.

ادامه تحقیقات تا شناسایی دوستان فراری متوفی

با کشف جسد مرد بیست‌وهفت ساله و پاسخ ندادن دو دوست دیگرش، این گزارش در دقایق بامدادی روز شنبه به بازپرس احمدی‌نژاد، قاضی ویژه قتل عمد دادسرای مشهد اعلام شد و طولی نکشید که این مقام قضایی در محل حاضر شد.

بررسی جسد متوفی نشان از صدماتی داشت که حین سقوط از کوه ایجاد شده بود و نشانه هیچ‌گونه درگیری دیگری هم در اندام‌هایش به چشم نمی‌خورد. جسد برای تعیین علت دقیق مرگ در اختیار پزشکی‌قانونی قرار گرفت. تحقیقات این پرونده هم برای شناسایی و دستگیری دو دوست فراری متوفی که تلفن‌هایشان را خاموش کرده بودند از سوی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی مشهد ادامه دارد.

عکس تزئینی است

اخبار جهان

سقوط مرگ‌بار بالگرد در اندونزی

اندونزی| ایسنا| مقامات ارتش اندونزی از کشته شدن ۴سرباز و زخمی شدن ۵نفر دیگر در پی سقوط یک بالگرد نظامی در استان مرکزی جاوا خبر دادند. بالگرد MI-17 هنگام سقوط در میان یک پرواز تمرینی نظامی بوده است. مجروحان این حادثه همگی به بیمارستان منتقل شدند. به گفته سخن‌گوی ارتش اندونزی، پیش از انجام پرواز، بررسی‌های لازم از این بالگرد به عمل آمده و مشخص شده که در وضعیت خوبی قرار دارد. علت این سانحه هنوز مشخص نشده است.

دستور کشتار ۱۰هزار راسو از بیم کرونا

هلند| یورونیوز| در پی مبتلا شدن ۲نفر از کارگران یک مزرعه پرورش راسو در نزدیکی شهر آیندهوون در هلند به ویروس کرونا، مسئولان تصمیم گرفتند تا همه ۱۰هزار راسوی موجود در این مزرعه را نابود کنند، زیرا گمان می‌رود که راسوها عامل انتقال و سرایت ویروس کرونا به انسان بوده‌اند. قرار بود این کشتار از جمعه گذشته آغاز شود اما در پی شکایت چند گروه حمایت از حقوق حیوانات، شامگاه پنجشنبه یک قاضی دادگاه ویژه امور تجاری دستور داد که این کار تا زمان برگزاری دادگاه رسیدگی به این شکایت به تعویق بیفتد.

مرگ خانواده در سقوط هواپیمای شخصی

آمریکا| آناتولی| در حادثه سقوط یک فروند هواپیمای کوچک دو موتوره در ایالت جورجیای آمریکا، ۵عضو یک خانواده جان باختند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، این هواپیمای کوچک دو موتوره که از فلوریدا عازم ایالت ایندیانا بود در جورجیا سقوط کرد. در این حادثه، خلبان هواپیما، همسر و سه فرزندش جان باختند. براساس گزارش رسانه‌ها، این خانواده به منظور شرکت در مراسم ختم یکی از بستگانشان عازم ایندیانا شده بودند. تحقیقات درباره علت سقوط این هواپیمای شخصی آغاز شده است.

معمای پلیسی

راننده دروغ‌گو

موسایی| در جریان یک تصادف که در حاشیه خیابان صدر اتفاق افتاده بود، دو نفر با هم گلاویز شدند که منجر به دخالت پلیس شد. سمندِ سفید، در کنار جدول و زیر تابلو پارک هوشمند، پارک کرده بود و ماشین دیگر یک پژو ۴۰۵ نقره‌ای بود که جلوتر و به صورت کج متوقف شده و درَ سمت راننده هنوز هم باز بود.

اسیب ماشین‌ها: لبه تیغ مانندِ درَ سمتِ راننده سمند سفید دچار فرورفتگی شده و بر روی در، در قسمت بیرون خراشیدگی‌هایی دیده می‌شد. به روی خودرو پژو ۴۰۵ هم خراشیدگی‌هایی در گلگیر جلو سمت چپ دیده می‌شد و گوشه چراغ جلو سمت راست کمی ترک برداشته بود.

راننده سمند ادعا می‌کرد که در همین نقطه خودرو خود را پارک کرده و کارش کاملا قانونی بوده است. قبل از اینکه از ماشین پیاده شود احتیاط کرده و در سمت خودش را تنها به اندازه ده، پانزده سانت باز کرده است که راننده پژو با سرعتی بالا و با فاصله‌ای بسیار نزدیک از او عبور کرده و طوری به در برخورد کرده که هم در آسیب دیده و هم به شدت کوبیده و بسته شده است، راننده سمند خودش را خوش‌شانس می‌دانست که در، روی انگشتانش بسته نشده است.

راننده پژو ۴۰۵ هم تمامی این حرف‌ها را تکذیب می‌کرد. می‌گفت که سمند سفید با پارک دوبل بیشترَ عرض خیابان باریک را اشغال کرده بود و او که به‌سختی سعی می‌کرد بدون انحراف به چپ ماشین خود را عبور دهد ناگهان بادرَ تا انتها باز شده سمند مواجه شده و بعد از تصادف، راننده سمند برای صحنه‌سازی ماشین خود را در حاشیه خیابان پارک کرد، تا او را مقصر جلوه دهد.

کدام راننده دروغ می‌گوید و چرا؟

لطفا پاسخ خود را به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک کنید.
پاسخ معمای سیزدهم خرداد ماه «میدان»: خودرو ۲۰۶ مقصر است. هنگام ورود به میدان‌ها حق تقدم عبور با وسایل نقلیه‌ای است که در درون میدان در حال حرکت هستند. به این ترتیب خودروهایی که وارد میدان می‌شوند باید احتیاط لازم را داشته باشند.

طرح: رضا جنگی

جدول شماره: ۲۹۴۶

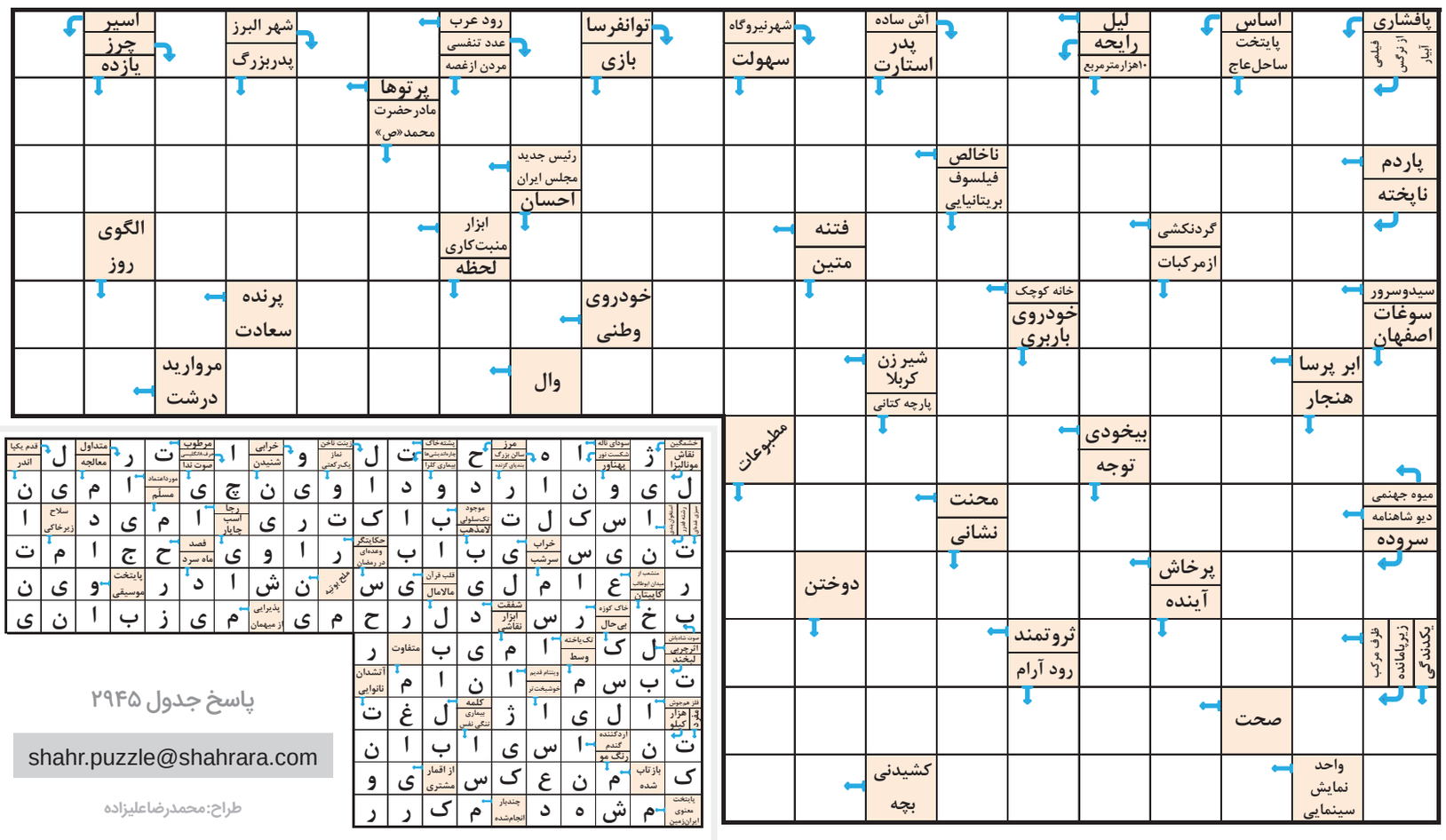

پاسخ جدول ۲۹۴۵

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده

اعتماد بیجا

متین نیشابوری

روایت پلیس

برداشت اول

نقشه‌ای در سر می‌پروراند اما نمی‌دانست چطور آن را عملی کند. گوشی تلفن همراهش را برداشت و در یکی از سایت‌های واسطه‌گر خرید و فروش کالا در فضای مجازی با ۲ نفر آشنا شد. آن‌ها درخواست خرید اقلام و وسایلی داشتند که در محل کار این مرد جوان مقدار زیادی از آن وجود داشت.

تصمیمش را گرفت و دست به سرقت زد. حالا دیگر خریدار وسایل سرقتی هم پیدا کرده بود. چند ماه گذشت و او به خاطر این که رفتار و حرکاتش شک‌برانگیز نباشد هرازگاهی وسیله‌ای سرقت می‌کرد و پولی به جیب می‌زد. اما سرانجام واقعیت نمایان و دستش رو شد.

مدیر کارگاه که متوجه کمبود مقداری از وسایل شده بود بدون اطلاع کارگرانش دوربین کار گذاشت و با کنترل کارگاه متوجه شد کارگری که قرار بود مراقب انبار باشد دست‌کج است.

موضوع را به پلیس اعلام کرد و دقایقی نگذشت که مأموران کلانتری ۱۲مشهد در محل حاضر شدند و متهم را دستگیر کردند. قیافه‌اش نشان می‌داد که موادمخدر دمار از روزگارش درآورده است. او که هنوز نمی‌دانست موضوع از چه قرار است با تناقض‌گویی می‌خواست مسیر تحقیقات پرونده را منحرف کند. وقتی متوجه شد که حنایش رنگی ندارد به سرقت لوازم کارگاه اعتراف کرد. مأموران در ادامه عملیات خود دو مال‌خر اموال مسروقه‌ای را دستگیر کردند که این وسایل را به قیمتی اندک از جوان معتاد خریده بودند.

پسر جوان از روزی که برای کار به کارگاه آمده بود و مشغول به کار شده بود اعتیاد داشت. تحقیقات پلیس در حالی ادامه دارد که در بررسی سابقه متهم مشخص شده پیش‌تر نیز به اتهام قاچاق موادمخدر دستگیر و به زندان افتاده است.

برداشت دوم

خواهش و التماس می‌کرد که به عنوان کارگر استخدامش کنند. مدیر کارگاه دلش سوخت و با خودش گفت: «باید به این زن کمک کنم و از بیکاری نجاتش بدهم»

او بدون هیچ شناختی به زن جوان اعتماد کرد و از این بابت خوشحال بود. مدتی گذشت. یک روز که مدیر کارگاه در خانه نشسته بود و دوربین مداربسته محل کارش را از روی گوشی تلفن همراه خود بررسی می‌کرد با صحنه‌ای روبه‌رو شد که باورش سخت بود.

زن جوان چند تکه وسیله داخل پلاستیک گذاشت و در حالی که هراسان به اطراف خود نگاه می‌کرد از کارگاه خارج شد. مدیر کارگاه چند مرتبه دیگر هم این زن را بین کارگران دیگر زیر نظر گرفت که متوجه رفتار مشکوکش شد. دوربین‌ها دروغ نمی‌گفتند و این زن غافل از اینکه دستش رو شده لوازم کارگاه را سرقت می‌کرد. مدیر کارگاه موضوع را به پلیس اعلام کرد و زن جوان دستگیر شد.

زن جوان که از کرده خود پشیمان بود به پلیس گفت که با مشکلات فراوان توانسته کاری پیدا کند اما دستمزد پایین موجب شده تا به مال و اموال مدیر کارگاه دست‌درازی کند.

برداشت آخر

اعتماد بیجا و نادیده گرفتن حق و حقوق کارگران هر دو در جایگاه خود مخرب هستند و می‌توانند موجب بروز و ظهور بزهکاری در افراد ضعیف جامعه شوند. پس چه خوب است در کنار اقدامات قانونمند در راستای استخدام نیرو، حقوق و مزایای مکفی را هم برای کارگران در نظر گرفت تا شاهد چنین مواردی نباشیم.

سردار حسین اشتری، فرمانده ناجا:

درپیگیری ماجرای غرق‌شدن چندتبعه افغانستانی در رودخانه مرزی هریرود با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر کشور افغانستان و فشارهای احتمالی به این کشور در همکاری نکردن با کمیته کارشناسی، احساس می‌شود عملاً قصدی برای بررسی مشترک ادله موجود و روشن‌شدن ابعاد حادثه وجود ندارد.